

بررسی تطبیقی جلوه‌های عشق در شعر سعدی و ابونواس

علی اصغر نسیم بهار*

محمود حیدری**

یوسف نیکروز***

چکیده

این پژوهش با هدف شناخت بهتر ادبیات ملی و درک بیشتر هنر شاعری سعدی از دریچه ادبیات تطبیقی، به کنکاش در غزلیات سعدی و ابونواس از شاعران مشهور ادب فارسی و عربی در باب عشق پرداخته و همانندی‌های غیر قابل انکاری در این جنبه مهم شعری آن دو کشف کرده است. گرچه برخی از پژوهشگران با توجه به تسلط سعدی بر ادب عربی، سعی در القای تأثیرپذیری وی از ادب عربی دارند، اما این پژوهش با رویکردی متفاوت، با توجه به خاصیت کهن‌الگویی عشق و فطری بودن آن و طبع شعری بلند سعدی و قریحه وقاد و خیال بلند پرواز وی بر این فرض استوار است که پنداشتن این همانندی‌ها در عین جرعه نوشی سعدی از ادب زلال عربی، بر اصل توارد بهتر می‌نماید. با این فرض، پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی غزلیات دو شاعر، رویکرد تطبیقی خود را مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی برگزیده که قائل به جهانی بودن ادبیات و وحدت و انسجام ادبیات‌های مختلف است. تحلیل یافته‌های پژوهش پس از نشان دادن موضوعات مشترک و مشابه نشان داد، که با توجه به زبان مشترک عشق و نبوغ و قریحه سعدی، وجود این تشابهات، علاوه بر تأثیر پذیری، توارد‌های ذهنی دو شاعر نیز هست که گاه در نقطه‌ای به هم رسیده‌اند.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یاسوج. ali.nasimbahar@gmail.com

** دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه یاسوج / محل خدمت فعلی دانشگاه شیراز،

heidarimahmood81@gmail.com

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج ynikrouz@mail.yu.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله:

تاریخ دریافت مقاله:

کلمات کلیدی: ابونواس، ادبیات تطبیقی، سعدی، عشق.

۱. مقدمه

غزل، جوهر عشق است و شعر تغزلی که از عاطفه صادق شاعر برمی آید، از صادق ترین گونه های شعری است و از آنجا که عشق و دوست داشتن، موضوعی فطری و طبیعی است، لذا عشق و مفاهیم مربوط به آن، از کهن الگوهای مشترک بشر و قدمتی به درازنای حیات بشر دارد و «آدم و حوا» به اعتقاد یونگ خود را با نیروی عشق احیا کرده اند. (یونگ، ۱۳۸۱: ۳۶۸). غزل در ادب عربی، ابتدا در مقدمه قصاید و نه به عنوان غرض اصلی، با عناوینی به جز آن، همچون تشبیب و نسیب می آمد و بعدها در دوره اموی، با عمر بن ابی ربیع به استقلال رسید و خود، موضوع شعری شد و در دوره عباسی، با شاعرانی همچون بشار بن برد، ابونواس، عباس بن الاحنف و ... به اوج رسید.

ابونواس، شاعر ایراتی تبار عصر عباسی، (ضیف، ۱۹۷۵: ۲۲۰) از نوایغ ادب عربی به شمار می رود. (ابن منظور، ۱۹۹۶: ۱۰) وی از نوگرایان شعر عربی در این دوره و از فحول شعرای عرب در ادب خمیری و غزل است و غزل های عاشقانه وی در دوره عباسی، پاسخی به شرایط اجتماعی جدید و نیز هم نوا شدن با موسیقی است که در این دوره، گسترش فراوانی یافت. ابونواس، عاطفه تغزلی خود را بیشتر به زیبایی ها و شیفتگی خویش به «جنان» کنیزک صاحب جمال و ادیب اختصاص داده است. عباس محمود العقاد، غزلیات ابونواس درباره جنان را از پرشورترین غزل های شاعر می داند. (العقاد، بی تا: ۱۶۹)

در ادب فارسی نیز سعدی را استاد مسلم غزل عاشقانه دانسته اند (عیوضی، ۱۳۷۵: ۲۱۰) و به قول خودش «عشق سعدی نه حدیثی است که پنهان ماند». او شاعری است که علاوه بر استادی در ادب فارسی، تسلطی بر ادب عربی داشت و قصاید عربی وی، بویژه رثای بغداد او که در کتب مختلف تاریخ ادب عربی ذکر شده است، گواهی بر این مدعاست. این عربی دانی سعدی و حضور در محافل علمی و ادبی نظامیه بغداد، باعث گردیده است

که برخی، شعر سعدی را در همانندی‌هایی که با ادب عربی دارد، بویژه در اشعار حکمی، وی را متأثر از ادب عربی و شاعر بزرگ آن متنبی بدانند.

این پژوهش با جستار در غزلیات این دو شاعر بزرگ و همانندی‌هایی که در این جنبه مهم شعری آن دو وجود داشت، به مقایسه تطبیقی اشعار آن دو در این مضمار پرداخته است. فرضیه پژوهش با توجه به خاصیت کهن‌الگویی عشق و فطری بودن آن و طبع شعری بلند سعدی و قریحه و قناد و خیال بلند پرواز وی بر این اصل استوار است که پنداشتن این همانندی‌ها در عین جرعه نوشی سعدی از ادب زلال و گواری عربی، بر اصل توارد بهتر می‌نماید و بر این اساس پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی غزلیات دو شاعر، رویکرد تطبیقی خود را مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی برگزیده که قائل به ادبیات جهانی است. به عقیده رنه ولک (۱۹۵۸) از نظریه پردازان مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی «برخی از شباهت‌ها بین آثار ادبی ناشی از روح مشترک همه‌ی انسان-هاست. او اندیشه‌های انسان‌ها را در اصل از یک سرچشمه می‌داند و به رغم اختلاف‌هایی که در طرز بیان می‌بیند نوعی خویشاوندی در میان آن‌ها احساس می‌کند... بنابراین بسیاری از همانندی‌های ادبی حاصل تأثیر و تأثر نیستند، بلکه بر اثر تصادف و توارد به وجود می‌آید.» (به نقل از بزرگ‌چمی، ۱۳۸۷: ۱۴۸)

ضرورت و اهمیت این پژوهش از آن روست که پرداختن به ادبیات قدیم با بلاغت و فصاحت بی‌نظیر آن و پیوند گذشته با حال، از ضروریات در پژوهش‌های ادبی است، خاصه آن که این پیوند مبتنی بر سنجش ادبیات ملی با یکی از غنی‌ترین دوره‌های ادب عربی باشد، تا بهتر بتوان هنر شاعری سعدی و قریحه وی را به خوانندگان فارسی‌زبان نشان داد. چرا که ادبیات تطبیقی را شناخت بهتر خود در آینه دیگری دانسته‌اند که ضمن استقبال از تضارب آراء و افکار، بر حفظ هویت‌های بومی تأکید می‌ورزد و بر ادبیات و فرهنگ ملی ارج می‌نهد. (همان: ۱۶)

۲. پیشینه پژوهش

برخی از پژوهش‌های تطبیقی شعر این دو شاعر با دیگر شاعران عبارتند از: زرین کوب در کتاب «نقش بر آب» در مقاله‌ای با عنوان «اشارات در حاشیه دیوان حافظ» به برخی از منابع عربی شعر حافظ اشاره دارد و بین واژه‌های تأثیرپذیری و توارد، تفاوت می‌نهد. زرین کوب قائل به اثرپذیری در حوزه مضامین مشترک نیست. (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۳۶۳-۴۱۰) زرین کوب همچنین در کتاب «نه شرقی، نه غربی، انسانی» با بررسی منابع عربی و فارسی ادب سعدی بر اصالت و خلاقیت فراوان سعدی تأکید می‌ورزد. زرین کوب چنین ابراز می‌کند که مطالعه کتب ادبی و تبحر در دواوین شعرای ایران و عرب، سبب شده است که بسیاری از مضامین و معانی گذشتگان در خاطر سعدی بی آنکه خود او آگاه باشد راه بیابد، چنانکه معانی و افکار سعدی نیز دانسته یا نادانسته در آثار گویندگان و نویسندگانی که بعد از او آمده‌اند انعکاس یافته است. (زرین کوب، ۱۳۸۸: ۲۲۳)

حسین علی محفوظ (۱۳۷۷) در کتاب *متن‌بی و سعدی* ادعا کرده است که سعدی، بسیاری از مضامین اشعار خود را از متن‌بی، شاعر عرب دوره عباسی اقتباس کرده است. محفوظ در این کتاب به ذکر شواهدی در باب اثرپذیری سعدی از ابونواس نیز اشاره کرده که البته نقدهایی بر سخنان وی رفته است. این اثرپذیری در نگاه این نویسنده مصری، بیشتر در باب ادبیات حکمی و اخلاقی است و و تنها در دو بیت به همانندی‌های تغزلی سعدی و ابونواس اشاره کرده است. (محفوظ، ۱۳۷۷: ۲۰۵ و ۲۱۹)

امل ابراهیم (۱۳۹۶) در کتابی به عنوان *بررسی نقدی تطبیقی تأثیر زبان و ادبیات عربی در ادبیات سعدی*، آنگاه که در باب غزلیات سعدی سخن می‌گوید، قائل است که «با دقت در سروده‌های سراینندگان غزل عذری، تأثیرپذیری سعدی از مفاهیم عشق عذری در ادبیات عربی روشن می‌شود. (ابراهیم، ۱۳۹۶: ۹۲) البته با دقت در نمونه‌های شعری که نویسنده در این باب ذکر می‌کند، نمی‌توان صحت چنین حکمی را تأیید کرد چرا که